

فلسفه نظام‌سازی دینی با تاکید بر واکاوی معرفت‌شناختی الگوهای تامین حجیت

مهدی قاضیان

ارشد فقه و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

علی منصف زاده اصل

ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)

سید احسان رفیعی علوی

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

چکیده

گفتمان نظام‌سازی فقهی، از جمله رویکردهای مهم در باب تولید علم دینی و علوم انسانی - اسلامی می‌باشد که نظریه‌پرداز اصلی آن، شهید محمدباقر صدر می‌باشد. ایشان گفتمان نظام‌سازی فقهی را با ادبیات اقتصادی و با نگارش کتاب «اقتصادنا» رشد و گسترش داد؛ با این حال، بسیاری از زوایا و ابعاد این رویکرد مغفول مانده است و نیاز به طرح و بحث جدی دارد. یکی از مهمترین این موضوعات (و شاید مهمترین موضوع) نحوه تامین حجیت «نظام» در اندیشه نظام‌سازی فقهی است که دغدغه این پژوهش به شمار می‌رود. در این پژوهش ابتدا بحث از علم دینی و ضرورت نظام‌سازی فقهی در اندیشه اسلامی و شهید صدر بحث می‌شود. بعد از تعریف اصطلاحات و واژگان دخیل در پژوهش، اهمیت و ضرورت تامین حجیت برای نظام‌های اسلامی تولید شده بیان می‌شود و همچنین تبیین این مسئله که نظام‌سازی فقهی برای تامین حجیت با چه چالش‌هایی مواجه می‌باشد، را بررسی می‌نماید. در ادامه دو الگوی موجود در باب تامین حجیت نظام طرح و نقد می‌شود؛ الگوی اول مبتنی بر اصل استقراء بوده و الگوی دوم نیز بر اساس اصل مصلحت است، که هر دو الگو با کاستی‌هایی مواجه می‌باشند. در ادامه، الگوی مختار که تامین حجیت نظام‌های فقهی را بر اساس ماهیت نظام در نظام‌سازی فقهی عهده‌دار می‌شود، طرح می‌گردد. در پایان نیز برخی اشکال‌ها و نقدهای احتمالی نیز طرح خواهد شد.

واژگان کلیدی: نظام‌سازی فقهی، حجیت، حجیت فقه نظام‌ساز، تفاوت فقه رایج و فقه نظام‌ساز.

مقدمه

امروزه یکی از مهمترین مباحث مورد پرسش و توجه در هر گزاره علمی، مسائل مربوط به روش‌شناسی و اثباتی آن گزاره می‌باشد؛ تا آنجا که اگر مقدمات و دلایل یک گزاره در ابتدا مورد قبول واقع نشوند، دیگر صحبت کردن از اصل آن مسئله نیز توجیه نخواهد داشت. علم فقه نیز در همه ابعاد خود از این قاعده مستثنی نیست. علمی که گوهر گرانبهای مکتب اسلام می‌باشد، از گذشته عهده‌دار تبیین چارچوب‌ها و تعیین وظایف مکلفین در همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی، برای تامین سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها بوده است.

از آنجایی که هدف علم فقه تا به امروز تعیین وظایف فرد فرد مکلفین در مسائل مختلف فردی و اجتماعی بوده است، دارای رویکردی تک گزاره‌ای و بدون انسجام درونی و ارتباط منظم ما بین احکام در ابواب مختلف فقهی بوده است. شاید در یک باب و یا در یک مسئله ارتباط بین دو یا چند حکم مورد توجه قرار می‌گرفته است، اما نگاهی کلی به ارتباطات ما بین احکام وجود نداشته است. در مقابل این دیدگاه رایج از فقه، دیدگاه نظام مند وجود دارد که می‌توان مبدع آن را محقق جلیل القدر سید محمد باقر صدر دانست. در این دیدگاه، مجتهد در نگاهی نظام‌مند به احکام به ظاهر متنافی که حتی گاهی در ابواب متفاوت بیان شده‌اند، بدنبال کشف اصول کلی حاکم بر این احکام می‌باشد به طوری که از مجموع این احکام، قواعدی کلی و جامع که در فقه وجود دارند استخراج می‌شود.

اساس و مبنای توجه به این نگاه نظام‌مند فقهی را می‌توان در سه مقدمه دانست:

- ۱) گسترش غیر قابل کنترل علوم، به وجود آمدن مسائل مستحدثه در پیش روی بشر، پیچیده شدن چالش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ...؛
- ۲) اعتقاد به کامل و جامع بودن دین اسلام و تاکید بر قابلیت مکتب فقه اسلامی در جوابگویی به مشکلات بشر؛
- ۳) ناکارآمد بودن فقه رایج در حل مشکلات بوجود آمده برای بشر با توجه به تک گزاره‌ای بودن جواب‌ها در فقه اسلامی و عدم وجود یک نظام منسجم در حوزه‌های مختلف عملی، جهت جوابگویی به مسائل مستحدثه.

برای عملیاتی شدن اندیشه‌ها و ایده‌های اجتماعی دین، عنصر ضروری عبارت است از نظام فقهی و نظام‌سازی. به بیان دیگر دین و اندیشه دینی از حوزه نظر و تئوری به میدان تطبیق و کاربرد عمومی و اجتماعی ورود نمی‌کنند، مگر از مسیر نظام‌سازی و بواسطه نظام‌های اجتماعی و دینی. در حقیقت نظام‌سازی نه تنها پل زدن میان منابع اسلامی و زندگی امروزی بشر است، بلکه پل زدن میان عمل و نظر است. ایده‌ها برای عملیاتی شدن متناسب با زمان و مکان نیاز به طرح دارند که این کار نظام است. لذا به نظر می‌رسد اگر نظام نباشد ما نمی‌توانیم در عرصه اجتماع حاکمیت اسلام را داشته باشیم (محمد حسین ملک زاده، ۱۳۹۵: ۲۰).

«باید صراحتاً بدین نکته اعتراف کنیم، که نظام‌سازی و سیستم‌سازی نوین، دستاورد رنسانس مغرب زمین است، و دانشمندان اسلامی در این زمینه تلاش چندانی نکرده‌اند. به همین جهت منابع این بحث در تمدن و فرهنگ اسلامی ریشه‌ای مستقل و رشد یافته ندارد، و اصولاً تفکر دینی در میان دانشمندان اسلامی، در طول قرون گذشته، از زاویه سیستمی و ساختاری مورد توجه قرار نگرفته است. نگرش به متون دینی در میان دانشمندان اسلامی، عمدتاً جهت‌گیری فردی داشته، و بررسی حیات اجتماعی به صورت ساختاری و نظام یافته، کمتر مورد توجه بوده است. برای جلوگیری از یک اشتباه مهم در این بحث، تأکید می‌کنم که باید بین نگرش سیستمی و نظام‌سازی، با توجه به مسائل اجتماعی فرق گذاشت. آنچه در گذشته بدان توجه نشده، همانان موضوع اول است، در حالی که کتب دانشمندان اسلامی و خصوصاً مفسرین، آنگاه از اشاره به مسائل اجتماعی بوده و هست. اما طرح یک مسأله اجتماعی یا نظام‌سازی زمین تا آسمان فاصله دارد، و چه بسا که بسیاری این دو را با هم خلط می‌کنند» (نبوی، ۱۳۷۵: ۵).

حال که کلیت نظام فقهی را قبول کردیم، توجه به این مسئله اهمیت پیدا می‌کند که قواعد فقهی منسجم کشف شده‌ای که در مجموع به آنها نظام فقهی می‌گوییم، و خود آن در نگاهی کلان یک حکم کشف شده از شرع می‌باشد، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ این خود چالشی بسیار مهم است. سوالات بسیاری در این زمینه مطرح می‌شوند. آیا این حکم همان خصائص و ویژگی‌های حکم فقهی رایج را دارا می‌باشد؟ روش اجتهاد برای استخراج احکام در فقه نظام‌مند چگونه است؟ اصول فقه حاکم بر آن چه تفاوت‌هایی می‌تواند با اصول فقه رایج داشته باشد؟

اما چالشی که به عنوان مسئله مورد توجه ما در این مقاله قرار گرفته، این است که مسئله حجیت در فقه نظام‌ساز چگونه است؟ راه تمییز نظام فقهی مشروع و دارای حجیت شرعی با غیر آن چیست؟

علم دینی و جایگاه نظام‌سازی فقهی در آن

قبل از ورود به اصل بحث لازم است ابتدا اشاره کوتاهی به مسئله علم دینی به عنوان بستری که فقه نظام‌سازی بر اساس آن شکل گرفته است تبیین کنیم. چرا که فقه نظام‌سازی، در حقیقت خود یکی از گزاره‌های کامل علم دینی و از نقاط قوت و مهم مکتب اسلام در جهت تمدن‌سازی اسلامی می‌باشد.

بحث و بررسی در باب علوم انسانی دینی، در واقع تلاشی است در راستای تولید و ساختار بندی پارادایمی چند بعدی که همه علوم انسانی را در برگیرد و بر اساس جهان‌بینی خاص خود و مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی برآمده از معارف اسلامی باشد. طبعا چنین پارادایمی می‌تواند با کلیت علوم انسانی مواجهه ویژه داشته و در نتیجه نظریه‌های متفاوت در علوم انسانی را در درون خود جای دهد و یا ساخت نظریه‌های جدید را ضروری بنمایاند (فاضل حسامی، ۱۳۹۰: ۷).

امروزه بیش از پیش ضرورت حضور در عرصه‌های علمی جهت استخراج ساختار دانش نظام کلان اسلامی جلوه گر شده است. نظریه پردازی با رویکرد اسلامی به علوم، برگ جدیدی را در تاریخ معنوی و تعالی بشر باز خواهد کرد. در نتیجه، جهت و خط سیری که نظریه‌پردازی در این علوم در جامعه طی می‌کند، منطبق با الگوی اسلامی خواهد بود که غایت آن، احیای تمدن اسلامی است (جمشیدی، شیرخانی و سبزی، ۱۳۹۴: ۴۶۳). البته برای پرداختن به دانش، تنها اعلام اینکه چه چیزی وجود دارد کافی نیست؛ انسان باید چرایی و چگونگی وجود آن پدیده‌ها را نیز توصیف کند (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۰).

نظام‌سازی فقهی از جمله بهترین نمونه‌های سیر نظریه‌پردازی علمی بر اساس آموزه‌های اسلامی می‌باشد که البته با رویکردی اکتشافی بررسی می‌شود. نظام‌سازی فقهی چون در حوزه فقه اسلامی سیر می‌کند، تمام و کمال به دنبال همان هدف اصلی فقه که همان تعیین و بررسی عمل

مكلف است، می‌باشد؛ فلذا صرفاً یک بحث تئوریک و انتزاعی نیست بلکه به دنبال ارائه راهکارهای عملی برای حل مسائل می‌باشد.

ضرورت نظام‌سازی فقهی

بسیاری از احکام وارد شده در مکتب اسلام، در حوزه‌های اجتماعی و جامعه معنا پیدا می‌کنند. مانند دستورات کلان اقتصادی (مانند وقف، زکات و خمس)، دستورات امنیتی (مانند تجهیز به برترین سلاح‌ها)، دستورات فرهنگی (مانند حوزه آموزش، محدوده استفاده از موسیقی، میزان گستره هنر و نحوه حضور زنان در اجتماع) و... برای عملیاتی شدن این اندیشه‌ها و ایده‌های اجتماعی دین، عنصر ضروری عبارت است از نظام فقهی و نظام سازی. به بیان دیگر دین و اندیشه دینی از حوزه نظر و تئوری به میدان تطبیق و کاربرد عمومی و اجتماعی ورود نمی‌کنند، مگر از مسیر نظام‌سازی و بواسطه‌ی نظام‌های اجتماعی و دینی. در حقیقت نظام‌سازی نه تنها پل زدن میان منابع اسلامی و زندگی امروزی بشر است، بلکه پل زدن میان عمل و نظر است. ایده‌ها برای عملیاتی شدن متناسب با زمان و مکان نیاز به طرح دارند که این کار نظام است. پس به نحوی می‌توان ادعا نمود که هر ایدئولوژی‌ای برای ورود در عرصه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... خصوصاً در سطوح کلان، نیازمند تبیین عرصه‌های ساختاری نظام گونه می‌باشد.

تعاریف و اصطلاحات

تعریف فقه: در ابتدا ما باید تعریفی از فقه ارائه کنیم تا با تلفیق آن با نظام‌سازی، منظور خود از نظام‌سازی فقهی را بیان نماییم. معنای اصطلاحی از فقه نزد فهای دو اصطلاح است. یک اصطلاح عامی که از آن به مطلق علم دینی تعبیر می‌شود که شامل علم به اعتقادات، فلسفه اسلامی، کلام اسلامی، اخلاق و مطلق علوم دینی می‌شود. از این اصطلاح به فقه اکبر تعبیر شده است. اما اصطلاح دوم که نزد فقها مشهور شده است بدین صورت تعریف شده است: «الفقه هو العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة» (انصاری، ۱۴۰۵، ۴: ۱۵) (فقه؛ علم به احکام شرعی فرعی بر اساس ادله تفصیلی آن احکام است). در این تعریف دو قید وجود دارد که قید اول علم به احکام شرعی یا همان عمل مکلف می‌باشد که باید احکام شارع مقدس نسبت به عمل مکلف و فروع دین باشد که با این قید آنچه از مسائل دینی که از احکام شرعی نبوده (مانند اخلاق، فلسفه و کلام و...) از تعریف فقه خارج می‌شوند. قید دوم که در تعبیر آمده است این است که این علم عن ادلتها التفصیلیه باشد

یعنی بایست علم به این احکام شرعی مستند به دلیل تفصیلی آن باشد. که در واقع با این قید می‌خواهند علمی را که برای فرد عاملی از فتوای مجتهد خودش نسبت به احکام شرعی حاصل می‌شود، خارج کنند.

تعریف نظام‌سازی: تعریف لغوی نظام: نظام در بسیاری از دایره‌المعارف‌ها و کتب لغت شناسی هم معنا و ترجمه سیستم آورده شده است. در این تعریف، واژه سیستم از واژه لاتین سیستم به معنای کل، ترکیب یا مجموعه حاصل از ترکیب چند جزء می‌باشد. در زبان فارسی واژه سیستم به دلیل کثرت استفاده متداول شده است. واژه‌های سامانه، دستگاه، هیئت تألیف و نظام، برابرهایی فارسی متداول برای واژه سیستم می‌باشند. در لغت واژه سیستم را معادل لغت نظام آورده‌اند. (ماری بریجانیان، ۱۳۹۰، ۲: ۸۷۶) به بیان دیگر می‌توان گفت نظام عبارت است از ساختار منظم، مرتب و هدفمند (لویس مالوف، ۱۳۹۵، ذیل نظام). کلمه نظام که با ریشه «ن ظ م» در زبان عربی شناخته می‌شود، در نزد علمای علم لغت چنین معنا شده است: «نظم به معنای تألیف و ایجاد الفت میان چند چیز یا پیوند دادن دانه‌های تسییح به یکدیگر است و به عبارتی، زمانی که این دانه‌ها به یکدیگر پیوند خوردند، به مجموعه آنها یا به نخ‌هایی که با آن، دانه‌های مروراید به یکدیگر پیوند می‌خورند، نظام می‌گویند» (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، ۸: ۱۶۶-۱۶۷).

البته این نگاه به لغت نظام بیشتر در چارچوب علوم انسانی غرب شکل می‌گیرد. در حالی که سیستم و نظام در مکاتب غربی با فضای فقهی-اسلامی متفاوت است. در واقع برای بیان بهتر تعریف نظام و نظام‌سازی باید گفت: نظام‌سازی عبارت است از ایجاد ساختاری در میان اجزای یک مجموعه که با پایین‌ترین سطح هزینه و بالاترین سطح از آثار و کیفیت دستیابی به هدف را میسر می‌کند.

در نگاه شهید صدر کلمه نظام بیشتر هم رده کلمه مکتب می‌باشد. در دیدگاه ایشان مکتب روشی است که نظام آن را در قالب قوانین و مقررات قابل اجرا ترجمه می‌کند. یعنی نظم را ترجمه مکتب می‌داند متنها به زبان عملیاتی و اجرایی. این نوع نگاه در جایی خود را نشان می‌دهد که می‌بینیم ساختار اجزای نظام فقهی اسلام که همان احکام و دستورات اسلام هستند، با اجزای سایر سیستم‌های غربی که گزاره‌های غیر وحیانی می‌باشند متفاوت است. اگر نظام را به معنای نزدیک

به کلمه مکتب در نظر بگیریم، چه بسا تعبیر کشف برای نظام اسلامی دقیق تر و صحیح تر باشد چرا که ما مکتب را کشف می‌کنیم (شکری و خیری، ۱۳۹۵: ۳۸).

معنای حجیت: حجیت در لغت یعنی حجت داشتن. حجت [ح ج ح] یعنی نمودار. دلیل. بینة. برهان. سلطان. امثولة. ثبت. آنچه بدان دعوی ثابت شود (دهخدا، ۱۳۸۹، ذیل حجیت). در واقع اهل لغت حجیت را به معنای برهان و دلیل ذکر نموده‌اند (غزالی، رافعی قزوینی و فیومی، ۱۴۱۴، ۱: ۱۴۹).

معنای حجیت در اصطلاح علم اصول با تعابیر مختلفی بیان شده است. برخی گفته‌اند حجیت آن چیزی است که متعلق خود را ثابت می‌نماید اما به سر حد قطع نمی‌رسد (مظفر، بی تا، ۲: ۱۲). بعضی معنای حجیت را صحیح بودن احتجاج که از احکام عقلایی می‌باشد گرفته‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷، ۲: ۸۴). برخی گفته‌اند به معنای معذر بودن و یا منجز بودن است. (خویی، ۱۴۱۴، ۲: ۱۰۴). اما به طور کلی می‌توان گفت منظور از حجیت آن است که حجیت آن است که اگر ملکف به حکمی که با روش فقاهتی خاص استنباط شده و از سوی فقیه ارائه شده است با همان ضوابط مشخص در فقه عمل می‌کرد، این عمل او حجیت بود و اگر احتمالاً حکم بیان شده اشتباه هم باشد، برای ملکف معذر خواهد بود (بحرانی، ۱۳۶۹، ۶: ۴۴۷).

فقه نظام‌سازی: در نظام‌سازی حرف از اموری است که نه تنها پشتوانه کلان همه ابعاد آن مذهب را دارند، بلکه به سوی عملی شدن نظریات گام برمی‌دارد بر خلاف علم، که کار علم توصیف است و علم می‌گوید در واقع چه اتفاقی می‌افتد و مکتب (نظام) می‌گوید چه اتفاقی باید بیفتد (صدر، ۱۳۷۵، ۱: ۳۶۵).

برای مثال مکتب اقتصادی اسلام عبارت است از آن طریقه عملی که اسلام درباره حیات اقتصادی بر اساس تصویری که از عدالت دارد، پیشنهاد می‌کند (صدر، ۱۳۷۵، ۱: ۳۶۵). لذا مکتب اقتصادی سرمایه‌داری حیات اقتصادی را بر اساس آزادی اقتصادی به پیش می‌برد و بازار را بر اساس آزادی فروشندگان در تعیین قیمت کالا تنظیم می‌کند.

راه کشف سیستم و نظام‌های اسلامی مطالعه احکام و مفاهیم اسلامی است. بدین نحو که ما مجموعه نصوص تشریحی و نصوص مشتمل بر مفاهیم را جمع‌آوری نموده و از این طریق به قواعد اساسی و زیربنای مذهب نائل می‌شویم.

حرکت از فقه فردی به فقه نظام‌ساز از طریق تحقق فقه النظریات است که به معنای اکتشاف نظریه‌های اساسی فقه در حوزه های مختلف اقتصاد، سیاست، مدیریت، فرهنگ و... است که البته برای اکتشاف این نظریه‌ها باید حجیت آنها نیز به اثبات برسد. در تبیین فقه نظام‌ساز، مبانی نظری حاکم بر آن وجود دارند که نظام‌سازی فقهی مبتنی بر آنها قابل بیان می‌باشد. یکی از مهم ترین این مبانی کامل و جامع بودن دین اسلام و ورود احکام شریعت در مسائل اجتماعی و کلان می‌باشد همانطور که بسیاری از احکام الهی برای امت اسلام وضع شده است نه افراد. این ویژگی که تنها داعیه‌دار آن در میان ادیان الهی، دین اسلام می‌باشد؛ در میان سایر ادیان الهی کمتر دیده می‌شود. حتی دین مسیحیت که سال‌ها حاکمیت بر قاره اروپا داشت، ادعایی مبنی بر داشتن نظام منسجم فقهی برای جوابدهی به همه شئون اجتماعی انسان ندارد، بلکه بیشتر شرایع دین را در رابطه بین انسان و خدا بیان می‌کند. چرا که دین مسیحیت نگاهی بدبینانه و منفی به زندگی دنیوی دارد و همواره پیشه کردن رهبانیت و آخرت‌گرایی در ضمن دنیاگریزی را به دینداران توصیه کرده است (بارنز و بکر، ۱۳۹۰، ۲: ۵۳) در حالی که چنین دیدگاهی از منظر اسلامی کاملاً مردود است.

فقه رایج: فقهی که تاکنون در امامیه به عنوان معهود و شناخته شده بوده است، با تمام تفاوت‌هایی که در مکاتب و ادوار متعدد آن وجود داشته است، در یک نکته متحد است و آن اینکه موضوع فقه سستی، فعل مکلف است. فقیه خود را موظف می‌دانسته تا با مراجعه به ادله و منابع، حکم فعل مکلف را بیان کند به گونه‌ای که حجت شرعی باشد.

اهمیت تعیین حجیت برای نظام‌سازی فقهی به عنوان سبک جدیدی از اجتهاد فقهی

نظام‌سازی فقهی در حقیقت سبک نوینی در اجتهاد فقهی را رقم زده است. این نگاه فقهی که در واقع سیر از روئینای مباحث فقهی به سوی زیربنا و اساس احکام شرع می‌باشد، خود دارای قواعدی در نحوه استخراج، اکتشاف و استدلال احکام شرعی می‌باشد. این مسئله و از طرف دیگر کارکرد این نوع نگرش به فقه که تلازم بیشتری برای ورود به حوزه اجتماع نسبت به فقه فردی دارد و برای پاسخ‌گویی به شبهات و موضوعات مستحدثه قوام بیشتری دارد، سبب می‌شود تا ضرورت طرح مباحث اصول فقهی جدید نسبت به نظام‌سازی فقهی مشخص شود. حجیت احکام فقهی از مهم ترین ابواب کتب اصولی از دیرباز مورد توجه بوده است. با توجه به روش فقهی نوین در نظام‌سازی و همچنین کارکرد منحصر به فرد آن در حوزه های فردی و اجتماعی،

لازم می آید تا حجیت نظامات فقهی را با رویکردی تازه و با توجه به ساختار، روش استدلال و کارکرد این نوع از اجتهاد، مورد بررسی قرار دهیم. برای تبیین بهتر اهمیت نگرش نوین اصولی نسبت به مسئله نظام‌سازی فقهی، باید به تفاوت های فقه سنتی (رایج) و نظام‌سازی فقهی اشاره ای که در مقام این نوشتار بگنجد داشته باشیم.

تفاوت فقه نظام‌ساز و فقه رایج

فقه رایج و فقه نظام‌ساز در حقیقت بیان‌کننده یک جریان از مسئله‌ی تبیین تکلیف الهی برای بشر می‌باشند. خاستگاه هر دو رویکرد فقهی، منابع تشریحی اسلام و مکتب فقه اسلامی می‌باشد. اما با دو رویکرد متفاوت و دو نگاه مختلف. در واقع می‌توان فقه نظام‌ساز را دنباله فقه رایج دانست چرا که نظام‌سازی فقهی در چارچوب همان اصول فقه و با دقت نظر و نگاه منسجم به احکام فقه رایج، عمل می‌کند. در اینجا بهتر از به برخی از تفاوت های فقه نظام‌ساز و فقه رایج بپردازیم.

در رویکرد نظام‌سازی فقهی، مذهب اسلام به حالت ترکیبی و اندام وار در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به منصف ظهور می‌رسد. نکته حائز اهمیت این است که در این روش، فقیه از جزئیات تشریحی، که بررسی آنها در فقه رایج متداول است، گذر کرده و با در نظر گرفتن تمامی ابعاد حیات بشری و اکتشاف هماهنگی مدالیل آنها، به تعیین چارچوب نظامی فراگیر دست می‌یازد که به مثابه «کل» در نظام قواعد و اصول فقهی مطرح می‌باشد (نیشابوری و طادی، ۱۳۹۵: ۱۹).

فقه فردی می‌تواند دارای گزاره‌های متفاوت و بعضاً متعارض در ابواب مختلف باشد و هیچ اشکالی هم بوجود نیاید، اما نظام نمی‌تواند با مجموعه‌ای از گزاره‌های متعارض به حیات خود ادامه دهد. چرا که اساس نظام بر انسجام درونی می‌باشد و اگر انسجام از بین برود، نظام مند بودن نظام نیز زیر سوال خواهد رفت. فلذا یکی از ارکان اساسی هر نظام، انسجام درونی و عدم وجود تعارض ما بین گزاره‌ها می‌باشد.

فقه فردی در صدد بیان مجموعه‌ای از احکام در موضوعات مختلف، بدون در نظر گرفتن سایر ابواب فقهی می‌باشد؛ در حالی که فقه نظام‌ساز، شاکله کلیه نظریات اسلامی در حوزه‌های

مختلف را در نگاهی کل بین، در نظر می‌گیرد و سپس قواعدی کلی را به عنوان چارچوب صلی کشف مسائل جزقی بیان می‌دارد (بری، ۱۳۷۸: ۱۳).

مراحل اجتهاد در فقه نظام‌ساز: روش اجتهادی در نظام‌سازی فقهی نیز با فقه رایج متفاوت است. بدین گونه که در نظام‌سازی فقهی ما چندین مرحله علاوه بر مراحل اجتهاد فقهی رایج را باید انجام دهیم. این مراحل عبارتند از:

مرحله اول: ساخت روبنای نظام: همانطور که بیان شد روشی که ما باید درباره نظام های اسلامی در زمینه های مختلف از آن بهره بگیریم روش اکتشاف است یعنی اینکه از روبناهای مذهب پی به زیربنای آن ببریم و از قواعد اساسی مکتب کشف کنیم. بنابراین در مرحله اول باید سراغ قواعد روبنایی برویم تا از آن به زیربنا نائل آییم. این مرحله خود دارای دو بخش است:

الف. جمع احکام: در گام نخست باید به جمع احکامی بپردازیم که روبنای مکتب را شکل میدهد و در حقیقت شاخه ها و فروع ریشه ها که همان زیربنای مکتب باشد به شمار می‌رود. این کار بسته به اینکه در پی کشف کدام یک از نظام‌ها و مکاتب اسلامی باشیم متفاوت می‌شود. بنابراین در صورتی که در پی نظام اقتصادی اسلام می‌باشیم احکام اقتصادی اسلام یعنی احکام مربوط به معاملات و منابع طبیعی و قوانینی که رابطه اقتصادی دولت و مردم را بیان می‌دارد و همچنین سایر احکام در این زمینه را باید جمع‌آوری کنیم.

ب. نقش جهان بینی اسلامی و مفاهیم کلی در کشف نظام و مذهب: مقصود از مفاهیم آراء و نظریات و تفسیرهای اسلام از واقعیات عالم هستی و مسائل اجتماعی و نیز احکام تشریحی میباشد. مثلاً این عقیده که جهان به خدا وابسته است و برای اوست^۱ بینشی است که نگاه اسلام به هستی را تبیین می‌کند. مفاهیم که بخش مهمی از فرهنگ اسلامی و قرآنی به شمار می‌آید، می‌تواند در کشف مکتب و نظام به کمک آید و تاثیر غیر قابل انکاری بر این فرآیند بگذارد (بابوکانی، طباطبایی و آهنگری، ۱۳۹۶: ۱۷۶).

۱. وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا (نساء: ۲۶).

مرحله دوم: کشف زیربنا و نظام: این مرحله عبارت است از عملیات ترکیب احکام و تنسيق آنها در یک نظم به خصوص برای ارائه طرح کلی. در این مرحله احکامی که قبلاً جمع‌آوری شده است به صورت یک کل مورد مطالعه قرار می‌گیرد و هر حکمی به عنوان جزئی از آن کل مورد لحاظ قرار می‌گیرد تا بدین ترتیب به کشف نظام و مکتب نائل آییم (علی اکبری، آهنگری و طباطبایی نژاد، ۱۳۹۵: ۹۱).

اختلافات حجیت فقه نظام‌ساز و فقه رایج

معنای حجیت فقه نظام‌ساز: باید به این نکته توجه کرد همانطور که در فقه فردی احتمال خطا و عدم تطبیق با واقع وجود دارد، و ما به دنبال احراز کشف واقع تشریحی نیستیم و همینکه حجت تامین شود و اطمینان حاصل شود برای ما کافی است. چه این حجت بدست آمده مطابق با تشریح باشد و چه خلاف آن باشد. حال می‌گوییم در فقه نظام‌ساز هم می‌شود همین ادعا را مطرح کرد و خطا اشتباه هم در فقه نظام‌ساز جریان دارد و ما تنها به دنبال کسب و تامین حجت و اطمینان قلبی هستیم و بس. فلذا از این جهت فقه نظام‌ساز و حجیت نظریه هیچ تفاوتی با حجیت فقه فردی نخواهد داشت (سعدی، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۴). اما در هر حال همانطور که گفته شد در فقه نظام‌ساز نمی‌شود که تعارض وجود داشته باشد و این مسئله ای حائز اهمیت است و باید تفاوت عدم اصابه به واقع و تعارض را متوجه بود. در اینجا باید یک مسئله مشخص شود و آن اینکه نظریات در فقه اسلامی اکتشافی‌اند و یا تولیدی و ابداعی؟

اکتشافی بودن نظریات در فقه نظام‌ساز: بنابر نظر شهید صدر، فقیه با یک مجموعه انظمه مواجه است که شریعت اسلامی آنها را تحدید و مشخص نموده است و کار فقیه استنباط و اکتشاف آن نظریات است. بر خلاف سایر دانشمندان که در نظام لیبرالیستی و یا سوسیالیستی به تکوین و ابداع نظریه می‌پردازند. لذا نقه النظریات فقه اکتشاف نظریات است نه فقه تولید نظریات (سعدی، ۱۳۹۵ ب: ۴۹).

به بیان دیگر مجتهد اسلامی در برابر نظامی قرار دارد که ساختار آن قبلاً پرداخته شده است و وظیفه او این است که آن را به آن شکلی که در واقع هست، بنماید و ساختمان آن را نشان دهد و قواعد اساسی آن را کشف کند و غبار تاریخ و مسافت زمانی طولانی بین خود و آن را بزداید و تاثیر

افکار دیگران که بعضاً بر آن سایه انداخته از آن زائل کند. بنابراین در یک کلمه وظیفه مجتهد کشف مذهب است نه ابداع آن از پیش خود. در صورتی که کاری که متفکر سوسیالیست مثلاً میکند تکوین مذهب و بیان خصائص آن از پیش خود است (علی‌اکبری و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۵).

این نکته مسیر حرکت در نظریه را بر عکس می‌کند. چرا که غالباً ابتدا یک نظریه شکل می‌گیرد و بعد مبتنی بر آن نظریه، احکام و سیاست‌ها تولید می‌شوند و به تعبیری حرکت در تولید نظریه از زیربنا به روبناست. ولی در فرآیند اکتشاف، سیر این حرکت بالعکس است ما با حرکت در روبنا و احکام و سیاست‌ها می‌توانیم به تحلیل و اکتشاف نظریه‌ها برسیم (سعدی، ۱۳۹۵ الف: ۴۹).

بیان نظرات مختلف حجیت فقه نظام‌ساز و نقد آنها

در تبیین حجیت برای نظام‌سازی فقهی، نظریات مختلفی از جانب اندیشمندان اسلامی بیان شده است که در ادامه برخی از مهمترین آنها را بیان، نقد و سپس نظر مختار را بیان می‌کنیم.

حجیت نظام فقهی بر اساس استقراء: محقق گرامی آقای بری باقری در مورد نظر شهید صدر برای حجیت نظام فقهی مستخرج از احکام شرعی بیان می‌کند که: اگر بر اساس استقراء به عدد بسیار زیادی از احکام شرعی دست یافتیم و متوجه شدیم که همه آنها از یک نتیجه کلی پیروی می‌کنند، پس در واقع یک قاعده کلی در شریعت اسلام را از این طریق کشف کرده‌ایم. بحث کلی نظام فقهی نیز بر همین اساس به حجیت می‌رسد (صدر، ۱۴۱۰، ۳: ۱۷۰).

توضیح آنکه اختلاف در حجیت به مسئله تفاوت قائل شدن بین قطع و غیر قطع بر می‌گردد. اگر چیزی قطعی بود، پس آن حجت است. چرا که آن مسئله دلیلی قطعی دارد و حجیتش را از حجت بودن قطع میگیرد. و اگر دلیل قطعی نبود پس آن مسئله حجیت ندارد مگر آنکه احتمال راجح بسیار قوی‌ای پشت آن باشد (همان، ۳: ۱۷۱). مثلاً هنگامی که یک مجتهد در احکام ملکیت در اسلام می‌بیند «انجام فعالیت عملی در احیاء زمین سبب مالک شدن آن زمین می‌شود، انجام هر عملی برای احیاء معادن سبب مالک شدن آن معدن می‌شود و اقدام نمودن برای صید پرندگان سبب مالک شدن آن پرندگان می‌شود، از طریق استقراء این احکام که خود آنها حجیت‌شان برای ما ثابت شده است، به این نتیجه کلی می‌رسد که در اسلام قاعده‌ای وجود دارد به این صورت که «انجام هر عملی در ثروت‌هایی که طبیعت به ما داده است، اساس ملکیت می‌باشد» (بری، ۱۴۲۱: ۱۱۰).

بر اساس این نظریه، اساس حجیت قواعد نظام فقهی بر دو مسئله می‌باشد:

(۱) آنکه حجیت تک احکام استقراء شده باید ثابت شود.

(۲) اینکه خود آن احکام بدست آمده از برآیند استقراءها، حجیتش بر اساس استقراء ثابت

می‌شود.

نقد: با توجه دقیق به مقدمات و نتایج بدست آمده از این طرح مسئله، واضح می‌شود که در پی اذعان به این نوع نگرش به حجیت نظام فقهی به عنوان حکم شارع، نیازی به استناد به استقراء (که خود استقراء در موجب و یا عدم موجب حجت بودنش مورد مناقشه بسیار است) نمی‌باشد. چرا که احکام بدست آمده از برآیند استقراءها، خود دارای اثر مستقل نمی‌باشد که توضیح آن در ذیل مباحث ماهیت ترکیبی خواهد آمد.

حجیت نظام فقهی بر اساس اصل مصلحت: در این گفتار، جناب سعدی بیان می‌دارند که ما

با دو نوع از حجیت مواجه هستیم. یکی حجیت بین حاکم (به عنوان عامل به دستورات مستدرج از نظام فقهی) و مردم؛ و دیگری حجیت بین حاکم و خداوند. حجیت بین حاکم و مردم که مورد

بحث ما نمی‌باشد، این حجیت را به طریق این تحلیل که همه احکام حکومت حکم اولی هستند نه حکم ثانوی و همه مردم در عرصه‌های اجتماعی جامع شرایط است و قابل نقض برای هیچ شخصی نیست، حتی برای مجتهد دیگر، بیان می‌کنند که این حجیت بین حاکم و مردم وجود دارد.

اما در مورد حجیت بین حاکم و خداوند که مورد بحث ما می‌باشد مولف می‌فرماید از آنجایی که فعل حکومت (که بر مبنای نظام فقهی استوار شده است) نیازمند تولید و اکتشاف یک نظریه است و لازمه نظریه انسجام درونی و عدم هرگونه تعارض و تضاد می‌باشد، چون تامین مصلحت جامعه از وظایف حکومت است. مصلحت یکی از ضوابط اصدار احکام حکومتی است. در واقع مصلحت به نحوی همان تامین انسجام درون یک نظام فقهی می‌باشد که از ارکان نظام است و خود انسجام داشتیم جزو مراتب مشروعیت نظام می‌باشد، چرا که درون یک نظام هرگز نباید تعارض وجود داشته باشد. اگر مصلحت در این باشد که سیاست حکومت به گونه ای اتخاذ شود که آن حکم با نظر فقیه حاکم همخوان نیست ولی به هر حال از مشروعیت درجه دوم برخوردار است، مصلحت، تامین کننده مشروعیت (حجیت) حکم حکومتی است و فقیه بر اساس مصلحت که بر آید انسجام

و کارآمدی است به اتخاذ سیاست مبتنی بر نظریه می پردازد و مشروعیت و حجیت آن در قبال ذات اقدس الهی را تامین می کند (سعدی، ۱۳۹۵ الف: ۵۹).

نقد: نظریات فقه نظام ساز بر دو محور استوار هستند. هم حوزه نظر را شامل می شوند و هم اینکه باید از مرزهای نظر فراتر روند و در عمل نیز کار آمد باشند. چرا که احکام اسلامی چه در فقه فردی و چه فقه نظام مند در پی به سعادت رساندن انسان در همه ابعاد زندگی هستند. حال اگر مقصود نظریه پرداز، تنها در حوزه حکومت داری و به فعلیت رسیدن نظام فقهی یا به بیان دیگر مشروعیت عمل حاکم باشد، بیان مصلحت به عنوان تامین کننده مشروعیت و حجیت، صحیح می باشد؛ اما در آن صورت به صورت حکم ثانوی اثبات می شود، که در این صورت این بیان موضوعاً از بحث ما خارج می شود چرا که ما در جایگاه تبیین حجیت در مرحله استخراج و اکتشاف هستیم.

اما اگر نظر نگارنده از بیان مصلحت به عنوان تامین کننده حجیت در مقام نظر و در جایگاه استخراج احکام فقه حکومتی می باشد، این دیدگاه صحیح نمی باشد. اساس این نظریه بر مصلحت بنا شده است. اما داخل نمودن مصلحت در حجیت نظام سازی فقهی به صورت ابتدایی کار صحیحی به نظر نمی رسد. چرا که اصدار حکم مصلحت یک حکم ثانوی است و حکم ثانوی در جایگاه تبیین حجیت برای احکام اولی اعتباری ندارند. هرچند در هنگام عمل می توان بدان مستمسک شد. اما اینکه حجیت گزاره های نظام فقهی را مستند بر مصلحت بدانیم کار صحیحی نیست و مستلزم دور می باشد. در ضمن با توجه به تبیین مفهوم فقه نظام ساز در نظر مختار ما (ماهیت ترکیبی)، دیگر مجالی برای بیان این تئوری از حجیت نظام سازی فقهی باقی نمی ماند.

حجیت نظام فقهی بر اساس ماهیت ترکیبی: از نظر نگارنده، برای درک بهتر مفهوم حجیت فقه نظام ساز، باید ابتدا به مسئله ماهیت این نوع از احکام پردازیم. نظام فقهی خود برآمده از احکام به ظاهر متفاوت می باشد و در واقع برآیند کلی این احکام و قواعد شرعی می باشد. برای تبیین نظریه مورد نظر، ابتدا باید مقدمه ای در مورد انواع مرکب ها بیان شود، سپس با توجه به مفاهیم بیان شده، ماهیت نظام فقهی را مورد ارزیابی قرار می دهیم.

تدیین ترکیب حقیقی و اعتباری

الف. ترکیب حقیقی: ترکیب حقیقی آن است که میان اجزای مرکب، یک جهت وحدت حقیقی (نه فرضی و اعتباری) وجود دارد؛ به عبارت دیگر ترکیب حقیقی آن است که برای مرکب، وحدت حقیقیه ای غیر از وحدتی که به صرف اجتماع اجزاء در کنار یکدیگر - با یک هیئت اجتماعیه عَرَضی - پدید می آید، حاصل شود (زنوزی، ۱۳۸۱: ۹۷). نشانه این نوع ترکیب آن است که مرکب، افزون بر آثار و ویژگی هایی که تک تک اجزاء آن دارند، خود دارای آثار و ویژگی های دیگری نیز هست. مثلاً ترکیب آب از اکسیژن و هیدروژن ترکیبی حقیقی است؛ زیرا آب افزون بر خواص و آثار طبیعی خود اکسیژن و هیدروژن، دارای ویژگی هایی است که در آن دو به تنهایی وجود ندارد.

حکومت

سال سوم

شماره هفتم

پاییز و زمستان ۱۳۹۹

ب. ترکیب اعتباری: ترکیب اعتباری آن است که میان اجزای مرکب، یک جهت وحدت حقیقی وجود ندارد؛ بلکه اتحاد اجزاء، اتحادی فرضی و اعتباری است؛ بگونه ای که اگر به واقعیت خارجی اجزاء توجه شود، هیچ جهت وحدت واقعی میان اجزاء یافت نمی شود. به عبارت دیگر، مرکب اعتباری آن است که غیر از هیأت اجتماعیه عَرَضی اجزاء که از صرف جمع شدن آنها در کنار یکدیگر حاصل می شود وحدت دیگری در میان اجزاء پدید نمی آید؛ مثل خانه (زنوزی، ۱۳۸۱: ۹۸). نشانه این نوع ترکیب آن است که مرکب، افزون بر آثار و ویژگی هایی که تک تک اجزاء آن دارند، دارای آثار و ویژگی هایی دیگر نیست و ویژگی های آن عبارت است از مجموع یا برآیند ویژگی های اجزاء. مثلاً ترکیب یک لشکر از سربازان، ترکیبی اعتباری است زیرا واقعیت خارجی لشکر، چیزی جز سربازان نیست. بدین ترتیب، مرکبات اعتباری مرکباتی هستند که از آن ترکیبات، چیزی ورای اجزاء آنها پدید نمی آید و هیچ اثری ورای آثار اجزاء آنها برای مرکب نیست مانند ترکیب خانه و شمشیر از اجزای صناعی خود (طباطبایی، ۱۴۲۰: ۱۰۶).

تدیین ماهیت فقه نظام ساز

نظام سازی فقهی بر چارچوب احکام و قواعد فقه اسلامی بنا می شود. با توجه به تعریف نظام سازی فقهی که به معنای اکتشاف نظریه های اساسی فقه در حوزه های مختلف اقتصاد، سیاست، مدیریت، فرهنگ و... در ضمن ساخت شاکله ای نظام مند می باشد، می توان ماهیت فقه

نظام‌ساز را بر این اساس تعیین نمود. همانطور که بسیاری نیز عقیده دارند، برای نظام، افزون بر عناصر تشکیل دهنده، وجود دیگری تصدیق نمی‌شود (منش و مجرد، ۱۳۹۴: ۱۶۳). نظام‌سازی فقهی هیچگاه فراتر از احکام و قواعد مسجل اسلامی نمی‌باشد. هر نظام فقهی دایر مدار احکام و قواعد متشکل از آن می‌باشد. در فقه نظام‌ساز ما حکم جدیدی را به اسلام نسبت نمی‌دهیم، بلکه از کشف جزئیات و رابطه بین این احکام و قواعد جزئی، به یک مرکب ساختارمند می‌رسیم که این مرکب هیچ اثر مستقلی فراتر از احکام تشکیل دهنده و نهایتاً برآیند آنها را بروز نمی‌دهد. مرکب نظام فقهی، تنها یک نظریه از تجمع احکام شریعت می‌باشد که با توجه نمودن به رابطه منظم بین این احکام و قواعد، به عنوان یک نظریه در آمده است. خصوصاً همانطور که قبلاً بیان شد، نظام فقهی یک نظریه پردازی ابداعی نیست، بلکه استکشاف نظام کلی اسلام بر اساس گزاره‌های جزئی می‌باشد.

فلذا با توجه به توضیح بیان شده از نظام‌سازی فقهی و انواع مرکب‌ها، می‌توان گفت ماهیت فقه نظام‌ساز، از نوع مرکب اعتباری می‌باشد. نظام فقهی منطبق با تعریف مرکب اعتباری، افزون بر آثار و ویژگی‌هایی که تک تک احکام و قواعد مستکشف، دارای آثار و ویژگی‌هایی دیگر نیست و ویژگی‌های آن عبارت است از مجموع یا برآیند ویژگی‌های این احکام و قواعد.

برای بیان ساده تر این مسئله، سیر تطبیق ماهیت نظام‌سازی فقهی بر مرکب اعتباری به صورت زیر با چند مقدمه و در نهایت نتیجه نشان داده می‌شود:

احکام و قواعد شرعی ← تجمیع احکام مرتبط با نظام فقهی مد نظر در ابواب مختلف فقهی ←
کشف رابطه منظم بین این احکام ← کشف و بیان نظریه نظام فقهی

حجیت در فقه نظام‌ساز

همانطور که هر مرکب اعتباری، اثری بجز اثر اجزای متشکل از آنها ندارد و تنها برآیند مجموع اثر آنها می‌باشد، برای صحبت از ویژگی این نوع مرکبات نیز ناگزیر هستیم تا ویژگی‌های اجزای این ترکیب‌ها را بررسی کنیم. از آنجایی که نظام فقهی نیز یک مرکب اعتباری تشکیل شده از احکام و قواعد شرعی می‌باشد، فلذا برای بیان حجیت نظام فقهی باید حجیت تک تک گزاره‌های جزئی ساخته شده از آنها را بررسی کنیم. به بیان دیگر، نظام فقهی خود به صورت مستقل مورد

اتصاف به حجیت و عدم حجیت بر آن قرار نمی‌گیرد. بر این اساس بحث از حجیت نظام فقهی به طور مستقل، قابل بررسی نمی‌باشد.

جواب یک اشکال: اشکال می‌شود بالاخره این نظام فقهی که دلایل اجتهادی و روش‌های فقهی و اصولی کشف شده است، منسوب به شرع می‌باشد و گزاره‌های شرعی باید حجیت شرعی داشته باشند. حال این مشکل را چگونه حل کنیم؟

در جواب باید گفت از آنجایی که گزاره‌های نظام فقهی، بر خلاف خود نظام، خود دارای اثر مستقل هستند و در واقع نظام برآیند همه آنها می‌باشد، برای بحث از حجیت نظام فقهی باید حجیت تک تک احکام و قواعد نظام را مورد بررسی قرار داد. به بیان دیگر حجیت نظام فقهی به حجیت تک تک گزاره‌های فقهی وارد در آن نظام فقهی می‌باشد. پس یک فقیه که می‌خواهد حجیت نظام فقهی را بررسی کند باید حجیت تک تک گزاره‌های فقهی را که در کتب فقهی و اصولی راجع به آنها بحث شده است برایش معلوم شود. که بررسی حجت بودن این گزاره‌ها هم به روش‌های مرسوم فقهی در کتب اصولی بیان شده است.

لذا مادامی که شخص از روش‌های صحیح و برخوردار از حجیت استفاده نماید اجتهاد او و نظام کشف شده توسط وی اسلامی خواهد بود و اشکالی از این جهت نیست چرا که فرض بر این است که او تکیه بر روشها و اموری کرده است که مقبول و پذیرفته و از حجیت شرعی بهره‌مند است و به عبارت دیگر او دست به اجتهادی زده است که اسلام آن را امضا نموده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تفاوت‌های ساختاری، روشی و کارکردی فقه نظام‌ساز با فقه رایج ما را بدان می‌کشاند تا به سوی طرح مسائل جدیدی در اصول فقه متناسب با ویژگی‌ها فقه نظام‌سازی سیر کنیم. یکی از مهمترین مسائلی که در نظام‌سازی باید بدان پرداخت، بحث از حجیت نظامی است که مجتهد طراحی و به عبارت بهتر کشف می‌کند؛ زیرا مادامی که این نظام از حجیت بی بهره باشد و قابلیت انتساب به دین و شریعت را نداشته باشد، فائده‌ای که از آن مورد انتظار بود محقق نشده است و نمی‌توان گفت این نظامی است که اسلام آن را برای زندگی اجتماعی بشر ارائه می‌کند. نظام‌سازی فقهی که برخلاف سایر نظریات رایج، تکوینی نیست بلکه بصورت اکتشافی

بدست می آید و از دل احکام و قواعد شرع که قبلا حکم به فتوای آنها داده شده است، استخراج می شود.

نظریات مختلفی در باب حجیت نظام‌سازی فقهی ارائه شده است که با توجه به ماهیت ترکیبی نظام‌سازی فقهی و تبیین اینکه نظام فقهی یک ترکیب اعتباری می‌باشد و بجز برآیند بودن از اجزاء تشکیل دهنده، تاثیر مستقل دیگری ندارد، فلذا تبیین نمودیم که برای بررسی حجیت نظام فقهی باید حجیت گزاره‌های ساخته شده از آنها که شامل احکام و قواعد شرعی و فقهی می‌باشند را مورد بحث قرار داد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۰۵)؛ تشریح المقاصد فی شرح الفرائد. (ذهنی تهرانی، محمد جواد، ویرایشگر). (ج ۱). قم - ایران: نشر حاذق.
- بابوکانی، احسان علی اکبری، طباطبایی، سید محمدصادق، و آهنگری، احسان (۱۳۹۶)؛ بازکاوی جایگاه منطقہ الفراغ در نظام سازی فقهی با تأکید بر آراء شهید صدر. فقه و مبانی حقوق اسلامی (۱). بارنز و بکر. (۱۳۹۰). تاریخ اندیشه اجتماعی از جامعه ابتدائی تا جامعه جدید. (جواد یوسفیان، علی اصغر مجیدی، مترجم). امیرکبیر.
- بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۳۶۹). حدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره (جلد ۲۰). قم - ایران: انتشارات الجماعه المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی.
- بری، باقر. (۱۳۷۸). فقه النظریه الاسلامیه عند الشہید الصدر. امام صادق علیه السلام، تهران - ایران.
- بری، باقر. (۱۴۲۱). فقه النظریه عند الشہید الصدر. (ج ۱). بیروت - لبنان: دار الہادی.
- تہذیب الاصول: تقریر اباحت الامام الخمینی. (۱۳۸۷). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جمشیدی، محمدحسین، شیرخانی، علی، و سبزی، داود. (۱۳۹۴). نظریه پردازی و اسلامی سازی نظریه های علوم انسانی. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. ۴۷۲-۴۵۵، (۱۹)۶۵.
- حسینی، رضا. (۱۳۸۷). نظریه پردازی. مفاهیم و استلزامات. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خوبی، محمد تقی. (۱۴۱۴). الشروط او الالتزامات التبعية فی العقود. (ج ۱). بیروت، دار المورخ العربی.
- خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). العین. (مخزومی، مهدی، سامرائی، ابراهیم، و آل عصفور، محسن، ویرایشگران). (ج ۱). قم - ایران: موسسه دار الہجره.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۹). لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات.
- زنوزی، عبد الله بن بیرمقلی باباخان. (۱۳۸۱). لمعات الہیة. (آشتیانی، جلال الدین، ویرایشگر). (ج ۱). تهران - ایران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- سعدی، حسینعلی. (۱۳۹۵ الف). حجیت در اجتهاد نظام ساز؛ با تأکید بر آراء آیت الله سیدمحمدباقر صدر. راهبرد فرهنگ. نهم (۳۶).
- سعدی، حسینعلی. (۱۳۹۵ ب). حجیت در اجتهاد نظام ساز؛ با تأکید بر آراء آیت الله سیدمحمدباقر صدر. راهبرد فرهنگ. نهم (۳۶).
- صدر، محمد باقر. (۱۳۷۵). اقتصادنا. (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. شعبه خراسان، ویرایشگر). (ج ۱). قم - ایران: مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر.
- صدر، محمد باقر. (۱۴۱۰). المعالم الجدیدة للأصول. (ج ۱). بیروت - لبنان: دار التعارف للمطبوعات.

- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۲۰). *نهایة الحکمة*. (زارعی سبزواری، عباسعلی، ویرایشگر). (ج ۱). قم - ایران: جماعه المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- علی اکبری، احسان، آهنگری، احسان، و طباطبایی نژاد، محمد صادق. (۱۳۹۵). *بازپژوهی امکان و حجیت نظام سازی در فقه با تأکید بر نگره شهید صدر*. مجله: فقه و اصول. (۴۸)، ۸۷-۱۰۶.
- غزالی، محمد بن محمد، رافعی قزوینی، عبد الکریم بن محمد، و فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. (ج ۱). قم - ایران: موسسه دار الهجره.
- فاضل حسامی. (۱۳۹۰). *تبیین و تحلیل علم دینی از دیدگاه شهید صدر*. جاویدان خرد. (۲۰).
- کتابچه کرسی آزاد اندیشی فقه نظریات اسلامی و نظام سازی فقهی از دیدگاه آیت الله سید محمد باقر صدر و آیت الله هاشمی شاهرودی. (۱۳۹۵). (ج ۱). تهران. تهران: انتشارات دانشگاه عدالت.
- کتابچه کرسی آزاد اندیشی فقه نظریات اسلامی و نظام سازی فقهی از دیدگاه آیت الله سید محمد باقر صدر و آیت الله هاشمی شاهرودی. (۱۳۹۵). تهران: دانشگاه عدالت.
- لويس مالوف. (۱۳۹۵). *فرهنگ المنجد*. (محمد بندریگی، مترجم). تهران اسلامی.
- ماری بریجانیان. (۱۳۹۰). *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی انگلیسی فارسی*. ۳، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مظفر، محمدرضا. (بی تا). *أصول الفقه (مظفر، محمد رضا - طبع اسماعیلیان)*. (ج ۱). قم، اسماعیلیان.
- منش، بهروز رضایی، و مجرد، حسین بابایی. (۱۳۹۴). *معناشناسی نظام سازی و روش شناسی کشف نظام از منابع دینی*. قیاسات. (۷۶).
- نبوی، سید عباس. (۱۳۷۵). *فقه، زمان و نظام سازی*. کیهان اندیشه. ۶۷(۱۲)، ۳-۲۱.
- نیشابوری، علی حسینی، و طادی، بهنام طالبی. (۱۳۹۵). *درآمدی بر فراگردها و مبادی تصدیقیه نظام سازی فقهی؛ با تأکید بر آراء آیت الله سیدمحمدباقر صدر*. راهبرد فرهنگ. نهم(۳۶).